**١١٤ - اشارات و بشارات شیخ احسائی و رمز سر التنکیس**

و از حضرت بهاءالله در کتاب اقدس است قوله الابهی قد ظهر سر التنکیس لرمز الرئیس طوبی لمن ایده الله علی الاقرار بالستة التی ارتفعت بهذه الالف القائمه الا انه من المخلصین کم من ناسک اعرض و کم من تارک اقبل و قال لک الحمد یا مقصود العالمین ان الامر بید الله یعطی من یشاء ما یشاء و یمنع عمن یشاء ما اراد یعلم خافیة القلوب و ما یتحرک به اعین اللا مزین کم من غافل اقبل بالخلوص افعدناه علی سریر القبول و کم من عاقل رجعناه الی النار عدلا من عندنا انا کنا حاکمین .

و از آنحضرت لوحی است قوله الاعلی هو الدائم بلا زوال کتاب آنجناب لدی العرش حاضر و بانوار ملکوت مشاهده و بیان فائز حمد کن محبوب عالم را که باشراقات صبح قدم منور و از اهتزازات نفحهٴ کلمة اولیه مهتز گشته و بستة ثانیة بعد از الف قائمة که مشعر بر انطواء ستة اولیة بود عارف شده اید این است مقامی که جناب احمد احسائی علیه بهاء الله از آناخبار فرموده قوله الواو ثلاثة احرف ستة و الف و ستة و قد مضت ستة الایام و الالف هو التمام و لا کلام فکیف ستة الایام الاخر و الا لما حصل العود فانه سر التنکیس لرمز الرئیس فان حصل من الغیر الاقرار بالستة الباقیة ثم الامر بالحجة و ظهر السر الاعظم الی اخره ستة اولیَه اشاره بسموات کور قبل است که در ستة ایام خلق شده و قد مضت ای طویت بالالف القائمَه التی هی النقطه ثم ارتفعت سته اخری بظهور اسمی الابهی کذلک ینبئک العلیم الخبیر و به ظهر سر التنکیس لان علم الرئیس قد نصب علی کل باذخ رفیع کذلک جعنا اعلاهم اسفلهم و اسفلهم اعلاهم طوبی للعارفین ای ناظر الی الله بیانی که در اینمقام فرمودند احدی تا حین ادراک ننموده و از اثیم کرمانی مخصوصا سئوال شد که تفسیر نماید و عند عجز نفس خود از مطلع علم سئوال کند قد اخذه الغرور و الاستکبار علی شان منع عن عرفانه الی ان رجع الی مقره ان ربک لهو العادل الحکیم و مقصود از آن همین فقره بوده به ظهر کل امر برز کل سر و لاح کل مکتوم و انتهی کل ظهور و ختم لوح مبین نسأل الله ان یوفق الکل علی ما ینبغی لهذا الظهور الذی به تشتت الترتیب و تفرقت الاوهام المجتمعة فی الرؤوس و زلت ارجل المستقیمین .

و در لوحی دیگر قوله الاعلی اما در فقره عباراتی که منسوب بجناب شیخ احمد احسائی علیه بهاء الله بوده اصل آن عبارات را یکی از شیخیه نوشته و در عراق سئوال نموده چند محل آن مغلوط مشاهده شد و لکن التفاتی بتصحیح آن نشد بعینه همان عبارات کاتب نقل شد چنانچه در لوح میر کریم خان هم اشاره باین بیان هست یک از فقرات آن ذکر میشود لتوقن ان ربک لهو العلام العلیم الواو ثلاثه احرف ستة و الف و ستة و قد مضت ستة الایام این اشاره بخلق سموات و ارض است فی سته ایام میفرماید که آنخلق منتهی شد و الف بین واوین دلیل است بر تمامیت سته اولی و آن الف مقام قیام قائم است چنانچه ظاهر شد وواو اخری اشاره بخلق سموات بدیعه است بظهور قیوم فی ستة ایام اخر و بعد از ظهور اینمقام سر تنکیس مشاهده میشود لرمز الرئیس کما سمعت یجعل اعلاهم اسفلهم مقصود آنکه مضت ما خلق فی ستة ایام و انتهت بالالف القائم بین الحرفین و ارتفعت فی ستة ایام اخری ما ارتفع من قبل اذا یتبدل الامور کلها کما رایت و عرفت کذلک ثم الامر بالحجة وظهر اسم الاعظم بین البریه له الحمد علی ذلک درین ایام قلم اعلی بتفسیر متوجه نه یجب ان ینطق فی کل الاحیان انه لا اله الا انا المقتدر العزیز المنان ایندو کلمه هم لاجل آنجناب من غیر سئوال نازل شد و فی الحقیقه بهمین دو کلمه جمیع عبارات شیخ تفسیر شد و مقصود از ذکر او در لوح میر کریم آن بوده که شاید عجز خود را مشاهده کند و از حق سئوال نماید و لکن از کبر و غرور مع عجز نفس استفسار ننمود و توجه نکرد الا انه من الخاسرین جمیع شیخیه بقول خود که در عراق ذکر نمودند عاجز شدند از معنی آن حتی مذکور نمودند که خدمت سید مرحوم هم عرض نمودند و ایشان هم ستر فرموده جوابی اظهار نداشتند کذلک قصصنا لک ما اردناه ان ربک لهو العلیم الحکیم .

و در لوحی دیگر قوله الاعز و اینکه سئوال نمودی از سر تنکیس لرمز الرئیس در اول ظهور ملاحظه نمائید شیخ محمد حسن نجفی که قطب علمای ایران بود و سائر علمای نجف و ارض طف و بلاد ایران بعد از ارتفاع کلمه و اظهار امر کل محجوب و ممنوع مشاهده گشتند از بحر بیان رحمن محروم و از آفتاب دانش بیخبر بلکه بر منابر بسب و لعن مشغول جوهر وجودی را که در قرون و اعصار لقایش را سائل و آمل بودند عند ذکر اسمش عجل الله میگفتند ردش نمودند و بالاخره بر سفک دم اطهرش فتوی دادند و لکن نفوسی از عوام اقبال نمودند و از بحر علم الهی نوشیدند و بافق اعلی راه یافتند و در یوم ارتفاع صریر قلم اعلی بکلمه لبیک فائز گشتند کذلک جعلنا اعلاهم اسفلهم و اسفلهم اعلاهم این است سر تنکیس لرمز الرئیس .

و از حضرت عبدالبهاء در خطابی است قوله العزیز هو البهی الابهی الحمد لمن تعالی بجوهر ذاته عن وصف الممکنات و تقدس بساذج حقیقته عن نعت الکائنات الذی اقام الواحد بین الستتین و اظهر الایام الاخر بعد انقضاء الطاء من ظهور النقطة .

و در خطابی بمعاون التجار نراقی قوله المجید قد ظهر سر التنکیس لرمز الرئیس این اشارت بعبارت حضرت شیخ احسائی است که در اخبار بظهور میفرماید سر التنکیس لرمز الرئیس این دو معنی دارد یکی سر نگونی یعنی انقلاب عظیم حاصل میشود اعلاکم ادناکم میشود و معنی ثانی مقصد تغییر شدید است یعنی جمیع آثار و احکام و وقایع از انقلاب و نسخ و تبدیل و تغییر و وقایع عظیمه که در ظهور قبل گردید دوباره عود مینماید طابق النعل بالنعل .

و در خطابی دیگر سئوال از کلمه مبارکه قد ظهر سر التنکیس نموده بودید از عبارات شیخ احمد مرحوم است و در تفسیر این رساله مرقوم شده و هنوز سواد نگردیده انشاء الله سواد میشود و انتشار مییابد .